

# چاوش

Chavosh



زهرا احمدی (طنین)

مترجم:

زهرا احمدی، کاوه فاتحی  
فارسی و انگلیسی

Zahra Ahmadi (Tanin)

Translators:

Zahra Ahmadi, Kaveh Fatehi  
Persian & English

چاوش

Chavosh

ساعت ها می گذرند  
بی آنکه با تو تعارفی داشته باشند.  
التماس مکن، اصرار نکن!  
این قانون زندگی است  
کالسهه زمان بی هیچ توقفی می گذرد و  
تو سوار بر این کالسهه زندگی را چنان بساز ...  
که از گذشتن لذت ببری نه آنکه کابوس زندگانت شود!

*Times pass easily*

*Do not beg, do not insist!*

*This is the rule of life.*

*Carriage- time*

*Pass without any pause*

*Make up your life over the carriage ...*

*to enjoy the passing*

*not to be your life's nightmare!*

ahmadi-tanin.loxblog.com  
ahmadi.tanin@gmail.com

ISBN: 978-964-04-0751-7



9 789640 407517



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



**فارسی و انگلیسی**  
**Persian and English.**

**زهر احمدی (طنین)**  
**Zahra Ahmadi(Tanin)**

**مترجم :**

**Translator**

**زهر احمدی . کاوه فاتحی**  
**Zahra Ahmadi . Kaveh Fatehi**

سرشناسه	: احمدی، زهرا، ۱۳۷۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: چاووش = Chavosh / نویسنده و عکاس زهرا احمدی ؛ مترجم زهرا احمدی - کاوه فاتحی .
مشخصات نشر	: بیجار: زهرا احمدی، ۱۳۹۲ .
مشخصات ظاهری	: ۶۰ ص.
شابک	: ۲۰۰۰۰ ریال: ۷-۹۷۵۱-۰۴-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - انگلیسی .
موضوع	: نکته‌گویی‌ها و گزینه‌گویی‌ها
شناسه افزوده	: فاتحی، کاوه، ۱۳۶۲ -، مترجم
رده بندی کنگره	: ۳۱۳۹۲ الف ف ۲ / ۶۰۹۵ PN
رده بندی دیویی	: ۸۰۸/۸۸۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۲۰۰۶۵

**نام کتاب: چاووش**

**نویسنده و عکاس: زهرا احمدی**

**مترجم: زهرا احمدی، کاوه فاتحی**

**ناشر: مولف**

**حروف چینی و صفحه آرایی: طنین**

**طراح جلد: کاوا**

**چاپ: اول**

**تیراژ: ۱۰۰۰ جلد**

**سال چاپ: ۱۳۹۲**

**قطع کتاب: رقعی**

**چاپخانه: رضا**

**قیمت: ۲۰۰۰ تومان**

**شماره شابک:**

**۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۹۷۵۱-۷**

**حق چاپ برای نویسنده و عکاس محفوظ است .**

## با سپاس فراوان از

پدر و مادر و برادرم محمد کسانی که مسیر زندگی ام را از تاریکی ها و سختی ها می رهانند.

*Giving my deep gratitude to my father , my mother and my brother Mohammad who keep me away from hardships and darks.*

## تقدیم :

به استاد ب چاوشی نژاد

کسی که ژرفای نگاهش و نصیحت های دلسوزانه اش چون بارانی بر دفتر نقاشی کودکانه ام بارید و درفت تازه شکفته ی وجودم را با ادبیات سیراب نمود.

*Dedicated to :*

*my teacher B.Chavoshi Nejad , that whose fathom thought and sympathetic pieces of advice make for much impact on me.*

به کودک دوست داشتنی کانیا.

که آرزوی من از ژرفای قلبم فوشبفتی و شادمانی او در تمام لمظه های زندگی است.

*To the lovely child, Kanya , that her happiness and luck is my best wish.*

## پیشگفتار :

خداوندم جانم بخشید . نامم نهاد و قلم در دستناتم. ادبیات در قلبم ریشه دواند و بدون آنکه خود بدانم وجودم را فرا گرفت . مرا با مولانا با شمس با عرفان و نی و دف آشنا ساخت و مرا زندگی دیگر بخشید. به مانند این اعداد:

۲۱۸۱۹-۳۸۵۹۱-۶۱۹۷۱۴۱۴-۹۱-۵۵۴۹۱۸۵۵۱۴۹-۲۱۴۱۹۱۴-۲۶۵

مرا با اسرار گیتی با ندای سنگ با آشوب قطرات آب با نگاه شمس و با آتش درون هم صحبت ساخت . آری ادبیات با من همانی کرد که باید می کرد . امروز خود بر وظیفه ام در برابر این استعداد خدایی به خوبی آگاهم و می دانم قلم ، یار من شد تا من از نی درون بسرایم و آگاه سازم که زندگانی را آن چنان به کالسکه ی زمان واگذار مکنید که حال و احوالمان به مانند پسرک فال فروشی شود که از او پرسیدند چه می کنی؟! پاسخ داد : به آنان که در امروزشان مانده اند فردا را می فروشم.

خداوند لطف را بر ما تمام گردانید. اوست مهربان ترین مهربانان که حتی خار تازه شکفته شده در بیابان سوزان و بی آب را فراموش نمی کند. لطفش را ببین که چگونه مخلوقات و کاینات همه زبان به ستایشش می گشایند و سر تعظیم در برابرش فرود می آورند. تا به حال به صدای پرندگان در صبح و غروب گوش داده ای که همانی که طلوع خورشید فرا برسد ندایشان آغاز می شود و چه زیبا این تسبیح در مغرب هم هویدا می شود . با صدای گریه خود دیده بر جهان می گشاییم و با گریه و زاری اطرافیان جهان را ترک . من مدت ها به این فلسفه عجیب اندیشیدم و به تفکری رسیدم که شاید برای شما هم جالب باشد : ما با گریه خود پا براین کره خاکی می نهیم چراکه از خانه و اصل خویش دور شده ایم و راهی چون زندگی در دنیا را باید بپیمایم تا به منزلگاه عشق برسیم و حال که دنیا را ترک می گوئیم همگان گریان بر سر

قبرمان می آیند که شاید ما از این کاشانه ی موقت بی هیچ توشه و آذوقه ای به راهمان ادامه داده ایم. من آنچه را می گویم که از نی درون الهام گرفته آنچه را که از شمس خود فراگرفته ام باز می گویم .

این کتاب را در حالی که پانزده سال بیشتر نداشتنم باغبانی کردم و سعی کردم نگاهم را از دریچه ی دروین عکاسی ام معنایی دوباره ببخشم.

در اینجا می خواهم از دوستان خوبم خانم س.ج برای بودنش و خانم ها ش.م و ز.م برای یاری شان به من برای پیدا کردن دوباره خورشید و شمس زندگی ام و استاد پ.ف که در تنهایی طنین ، شمعی فروزان و یاری مهربان است نهایت تقدیر و تشکر را به جا آورم .

**زهرا احمدی (طنین)**

ahmadi-tanin.loxblog.com

Ahmadi.tanin@gmail.com



شاد باش

چیزی برای غمگین بودن وجود ندارد

اگر چهره ات آکنده از غم است!

منشا این اندوه خودت هستی!

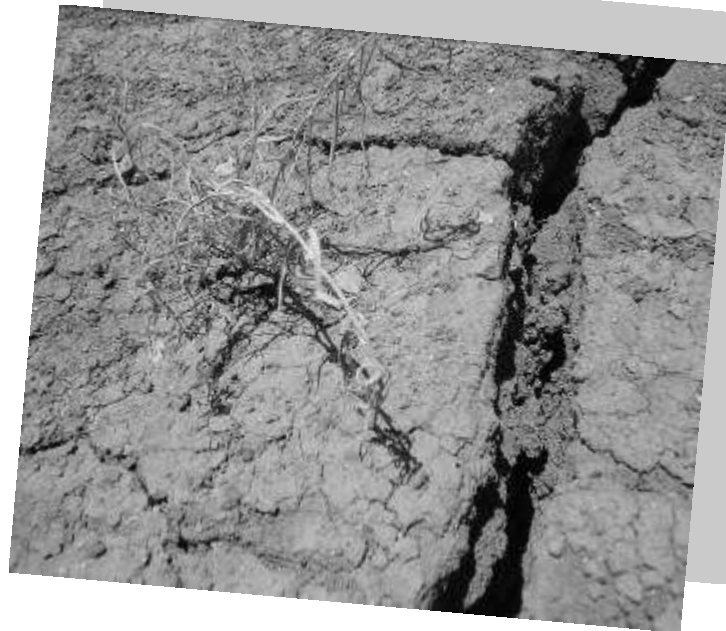
*Be happy*

*There is nothing to be unhappy*

*If your face is filled with grief!*

*Its origin is yourself!*





ترس و مهر  
هر دو در طوفان تجلی است...  
مهربان باید بود...  
که آرامش در این نزدیکی است!

*Horror and love  
Both are revealed in storm...  
Must be kind...  
That peace is near!*

من مریدم!  
و او استاد من، او احساس من!  
و تو شاهد آشفته‌گی و حیرت من...  
بهار یعنی امید یعنی نوید...  
و حرکت قلم من با کلام خدای اوست...  
مانده‌ام در شگفتی که چیست حکایت این آشفته‌گی...  
که چیست بهر آمدن!

*I'm devotee  
And she is my master...my feeling!  
And you witness my wonder...  
Bahar means hope, promise...  
And the moving of my pen is with her God's  
word..  
I'm astonished what's this chaos..  
What 's my coming for!*





رؤیا...

قصر زیبایی است به شرط آن که روی شکننده ترین بلورها

بنا نشده باشد!

*Dream ...*

*Is a beautiful castle, if it'd not be built*

*On fragile crystal!*



گل بر صخره ای روییده...  
شاخه ای از درخت خشکیده....  
همه گوئیم تنهاییم  
آما  
تنهایی ما فراموشی خداست.

*The flower is grown in rock...  
The sprout of tree is wizen...  
We all say we are alone  
But..  
Our solitude is the absence of God.*



امید ...

خورشیدی است برای پرورش روح و جسمت...  
امید، بارانی است برای تطهیر قلب غم زده ات...  
اگر روزی فرا رسد که امیدوار واقعی باشی...  
ثانیه ها در مقابلت تعظیم خواهند کرد!

*Hope...*

*the sun to raise your soul and your body  
Hope, the rain to clean your upset heart  
If a day comes that you are a real hopeful...  
Seconds bow to you!*

بی وقفه و بی درنگ بیاندیش! فقط بیاندیش!  
آنگاه شکارچی خوبی خواهی بود....  
مراقب باش همچون شیر مغلوب چشمان آهو نشوی!  
مراقب باش اهداف والایت را به لذت های کوتاه نفروشی!  
آنگاه تمام چیزهایی که لازمه ی رسیدن به اهداف والایت هستند،  
پیش خواهند آمد...  
اینک نوبت توست...  
ای شکارچی فرصت ها!

*Think Continually! just think!  
Then , you will be a good hunter  
Be careful...Don't be overcome to the eyes of deer as lion  
Be careful...don't sell your grand goals to short delights  
Than ,things come that are necessary to earn your grand  
goals,  
Now it's your period  
Hey, hunter of opportunities!*

زندگی به مانند برگ های سبز و با نشاطی ست که

روزگار آن را خشک می سازد.

زندگی در این دنیای زودگذر به مانند برگ هایی افتاده بر جاده ای

بی انتهاست که جاروی زمان آن را کنار می زند...

زندگی واقعی در دنیای باقی است و بس!

به این امید باید...

*Life is like green and happy leaves that time dries it.*

*Life is like leaves in such temporary universe fallen  
down the endless road, that broom of time sweeps it*

*Real life is within eternal universe and no more!*

*With this hope, must...*



بزرگ ترین گنج دنیا چیست ؟  
تعجب نکن ، باید یافت !  
باید یافت که بزرگ ترین گنج دنیا چیست ؟  
و این جستجو در درون توست .  
به خود روی آور و بزرگ ترین گنج را یاب !  
آن گاه غنی ترین آدمیانی ...

*What is the great treasure of the world ?  
Don't wonder...must be found!  
Having to be found what is the great treasure of  
world ?  
And this search is inside you  
Turn to yourself and find the great treasure !  
then you are the richest!*





## پرواز کن!

پرواز به سوی آسمان آبی... یا شاید هم ابرهای سپیدش..

پرواز به سوی سیاهی فانی... شاید هم مهتاب تنهایش...

پرواز زیباست... این زیبایی بال و پر خواهد.

و این خواستن فقط با عشق است و بس!

*Fly!*

*Fly to the blue sky...perhaps to white clouds...*

*Fly to mortal blackness... perhaps alone moon...*

*The fly is beautiful...this beauty needs wing!*

*this want is just with love and no more!*





طلوع خورشید دیدنی است...

آوای زندگی شنیدنی است...

کلام خدا، آرامش دهنده ی روح

شادمان کننده ی جان

وصف ناشدنی است...

*Morn is visible*

*Call of life is audible*

*God 's words is*

*Soothing of soul*

*Exhilarating the spirit*

*And it is non-describable...*



زندگی زیباست.  
زیبایی اش برای آدم هاست.  
گاهی در شب، گاهی در روز ستاره ای می گذرد...  
آن ستاره ی خوشبختی هاست.

*Life is beautiful.  
And its beauty is for human  
A star passes sometime , at night and day...  
That is star of happiness*



عشق زیباست .  
به شرط آن که  
پیرایشگر خارهای نفس  
و آرایشگر روح ملکوتی باشد !

*Love is beautiful.  
Provided it can be trimmer of burs of  
ego and decker of heavenly soul*



برای امیدواری پنجره ای لازم است که بدانی آن سوی پنجره  
زندگی بهتری در انتظار توست!  
پنجره ای که با نگرستن به آن زندگی را نوید دهی!  
ایمان تو به خدا به نیکی به امید است...  
پنجره ی زندگانت...  
...

*For hope, a window is required to know, over a  
window a good life expects you  
A window that when you see it you can promise  
the life.*

*Your faith in God, the beneficence  
the hope...*

*Your window of life*

برای آن که بتوانی باورهای خود را باورهای دیگران سازی  
نخست عقاید آنان را شناس  
سپس احترام را به جای آور ...  
که احترام سلاحی برای تسلیم ساختن باورهاست.

*If you want to make your beliefs to people s beliefs  
, first you must know their beliefs  
Then honor them...*

*That the respect is a weapon to lodge beliefs .*



انسان‌ها در معرض انحراف و گناه قرار دارند.  
معصیت در کمین آدمیان است.  
هشدارها را جدی بگیر!  
فرجام کارهایت را برپایه درستی بنا کن...  
که به حق این چنین پایانی نیکوست...

*Humans are exposed to vice and deviance  
Crime lurks to humans  
Solemnify the alarms!  
End of your works , you must build it according to right  
That, truly, this end is good*



راه بخشندگی را در نگاه پرنده ای جستجو کن ...  
که چشمانش گویای درونش است ...  
و در قلبش آتش آزادی شعله ور ...  
هیچ گاه اسیر مباش ولی سرشت اسیرنوازی را در قلبت  
به تثبیت رسان!

*Search the way of munificence in a look of a bird ...  
That its eyes show its inner  
And the fire of liberty flames in its heart...  
never be caitiff but respect them in your heart*





عشق تندیس محبت است ، تقدّسی بزرگ...  
که در آن معشوق فرصت با خدا بودن را به عاشق می دهد.  
و عاشق همان تنهای همیشگی که در تنهایی به قدرت خالق عشق ،  
پروردگار زیبایی هایی می برد .

*Love is the statue of love, great sanctity...  
In which the beloved gives the lover a chance to be with  
God .  
And lover is alone as usual that in his solitude find out the  
beauties and almighty of God*



به لطافت آب...  
به زیبایی باران...  
به بخشندگی دریا...  
به وسعت اقیانوس...  
بنگر!

آنان گویند باش و به بودن با افتخار خیره شو!  
همانا خداوند جهان آفرین تو را نیکو خلق کرد  
تا نیکو به سویش بازگردی.

*As the elegance of water ...*

*As the beauty of rain ...*

*As the munificence of sea..*

*As the extent of ocean... look!*

*They say " be" and take pride of your being !*

*As , God made you very good until you will*

*return very nice.*





برای یک بار به قدم هایی که برمی داری توجه کن و به صدای آنان گوش  
فرا ده!

گام های تو، زمستان سپید با آن برف های سرد  
پاییز غمگین با آن طنین خش خش برگ ها  
بهار شادی ها با آن سبز رنگ دشتش  
تابستان آبی با آن آتش عشقش را می شناسند . به این قدم ها افتخار کن .

*Once care your steps and listen to them  
Your steps know the white winter with the cold snow  
The sad autumn with rustling in leaves  
Happy spring with its green flat  
Blue summer with the fire of love...  
Pride these steps .*



امروز بیشتر از دیروز

و فردا بیشتر از امروز

امیدوار باش!

زندگی فقط در چهارچوب کوچک فکر تو محبوس نشده است .

امیدواری یعنی ؛ آزادی

یعنی ؛ خوشبختی و سعادت !

*Today more than yesterday  
and tomorrow more than today  
be hopeful!*

*life is not only confined to a small part of your  
thought .*

*Hope means liberty*

*, means; happiness and prosperity!*

هر مشکل برای تو دیواری است بلند .  
هر شکست خشتی است بر روی این دیوار .  
سخت نگیر ... مهم نیست !  
مهم این است که شکست را آموزگار خود بدانی  
باور کن خودت را !  
تیشه را بر دار و این دیوار را فرو بریز ...

*Every problem is a tall wall for you.  
Every failure is a brick on that wall .  
Take it easy ... It does not matter!  
It is important that you know failure as  
your teacher  
Believe yourself!  
Take the ax and tear down the wall ...*





به قدرت قلم پی برده ای؟  
قلمی که می تواند ماندگار سازد  
و یا نابودی را هدیه دوستی ات قرار دهد .  
این دستان تو، افکار تو هستند تاریخ ساز روزها و سال های عمرت !  
به راستی با چنین قلمی با چنین قدرتی ... چیست لایق ماندگاری؟  
چیست مستحق نابودی؟

*Realized the power of the pen?  
The pen which can make you eternal.  
Or bring you down.  
your hands, your thoughts make the history of your days  
,your age of your life !  
Indeed, with such a pen with such a power ... What  
deserves the eternity?  
What deserve destruction?*



خیلی ها پاییز را فرجام می بینند.  
بعضی ها از آن بیزارند.  
کودکان پاییز را مدرسه و نیمکت می پندارند اما ...  
با چشم منگر با دل بنگر!  
پاییز مدت هاست دلدار خود را گم کرده است.  
زردی برگ ها، سوز شب ها و اشک ابرها، غم فراق پاییز را از معشوقش  
تصدیق می کنند .

*Many see the autumn as end  
Some hate it.  
children consider the autumn school and bench but ...  
Don't look with eye... look with the heart!  
Autumn has long lost sweetheart.  
the yellow leaves, the burning nights and tears of the  
clouds, the sadness of parting autumn acknowledge from  
the lover*



همه هدیه می دهند ....  
زیبایی هدایا بیشتر از آن که در نوعش باشد  
در نحوه تزئین آن است .  
هر چقدر بر زیبایی تزئین تلاش کنی پیام دل و جانت بهتر به  
محبوبت می رسد .

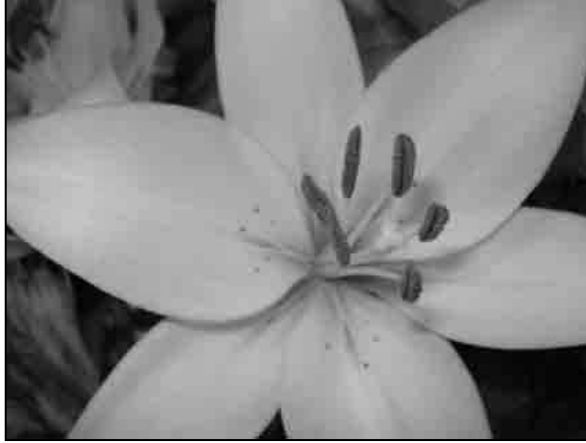
*All  
Give a gift ....  
Beauty of the gifts is more in adornment than  
in its kind.  
How to decorate it.  
the more you attempt the adorn, the better  
your beloved get your affection*





مهره مهره ، تسبیح تسبیح  
مهره های تسبیح نمایانگر یک تقدس اند.  
نشان دهنده ستایشی جاودانه ...  
زمزمه های پیران و جوانان را گوش فراده  
خدا را می ستایند ...  
پروردگار را تنها ناجی می خوانند...  
الله را تنها معشوق حقیقی می دانند...  
تو از این تسبیح پر رمز و راز چه حکایتی داری؟

*Beads, beads, rosary , rosary  
they represent a sanctity.  
The eternal praise ...  
Listen to the whispers of old and young  
blessing God ...  
knowing the God as only savior ...  
the only true love ...  
What's the tale of this mysterious rosary ?*



هیچ گاه فکر مکن که افسار قلب در دستان عقل است  
عشق راهی بی انتها را پیش رو دارد ...  
و عقل مدت هاست ناتوان از همسفر بودن با او  
کوله بار عشق بی قراری و هجران است  
و منطق عقل شمارش قدم ها تا حل این مساله  
این دو هم قطار چگونه می توان باشند در حالی که یکی سرکش و دیگری  
سربه زیر!

*Do not ever think that the heart 's tethered is in the hands  
of reason  
the way ahead of love is endless ...  
And reason is incapable of being with it  
Love is a load of agitation and loneliness  
Counting steps from logic and reason to solve this problem  
How they are mate while one of them is break and  
another rogue!*

گل رز، گل سرخ، گل زندگی!  
زیباترین گل برای تقدیم به او که معنای زندگی است  
نشانگر دلی مملو از محبت  
یادی محشون از خاطراتش  
نگاهی به عکسش در قاب جاودانگی  
کلام هایی ناگفته از دل شکسته ات

و...

*Roses, roses, roses of life!  
The most beautiful flower for it  
meaning your life  
Indicating the heart, full of love  
The memory of full of its memories  
Looking at its picture in an immortal frame  
Some unspoken words of your broken heart  
And ...*



بهار آمد آن لطف الهی آمد...  
اوست باران رحمت  
مفهوم و معنای هجران و غربت  
اوست روایتگر لطف حق و تبسم او  
اوست بهانه و دلیل نوشتن  
چشمانش فانوسی است برای اهل دل  
لبخندش اشاره می کند به راه دیوانگی  
به راهی که عاقلان پیمودنش را محال می دانند  
و اهل دل آن را سعادت می بینند..

*Bahar came, she was God's grace ...  
His mercy*

*The token of nostalgia and loneliness*

*The Narrator God's grace and smile*

*She is the reason why I write*

*Her eyes are lighthouse for lovers*

*Her smile refers to the madness*

*The way that wise know it is impossible to pass*

*Lover see it happiness*



گاهی به این فکر می کنی که خاکی که از آن گل می روید چگونه خار را  
می پروراند؟

او که چشمه های امید در قلبش جای دارد ...  
یادت باشد خوبی معنا دارد اگر بدی را بشناسی  
زیبایی چشم نواز است اگر زشتی را ببینی  
روشنایی سعادت است اگر تاریکی را تجربه کنی  
نسیم آرامش جان است اگر طوفان را بشنوی  
و گل زیباست اگر خارهای سرد را لمس کنی!

*Sometimes you think that the soil which grows flowers,  
how to foster a thorn?*

*He is the source of hope in his heart ...*

*Remember the goodness has meaning if you know  
badness*

*Beauty is the eye-catching If you see the ugliness*

*If you experience the darkness, light is the bliss*

*The breeze is calm if you hear storm*

*Flower is beautiful if you touch the thorn !*



همیشه به خاطر داشته باش روزی فرا خواهد رسید که  
این بار به جای آن که چنین دسته گلی را روی سنگ قبر  
دیگران به جای گذاری ...  
این دیگران هستند که زحمت این کار را برای آرامگاه  
تو به دوش خواهند کشید...

*Always Remember  
The day will come  
People lay the bouquet on your grave  
rather than you do it for the others ...*



عجب زمانه ای است !  
آنان که آزادند قدر آزادی را نمی دانند و آن سو  
کسانی هستند که این آزادی سرمشقی برای زندگی و انگیزه ای برای  
تحمل سختی هایشان گشته است ، و ما اینان را اسیر می خوانیم !  
اسارت یعنی آزمایش  
و آزادی یعنی آسایش  
و این دو خلاف افکار ... چون گرگ و میش سحرگاهی  
در هم ادغام شده و غیر قابل تفکیک هستند!

*What a day!*

*Do not know the value of freedom*

*Those who are free*

*There are those who taking that liberty as their live*

*And motivation to put up with the hardship.*

*We call those captive*

*captiving is experience !*

*Liberty is peace*

*These two contrary thoughts ...*

*Merged like wolves and sheep*

*since dawn And are inseperable!*



پیش برو...

از چه می ترسی؟ از شکست!  
اگر از سنگریزه ای چنین کوچک هراسانی!

پس...

زندگانت پوچ است.

*Go ...*

*What are you scared of? Failure!*

*If you scare such a small gravel!*

*So ...*

*Your life is absurd.*

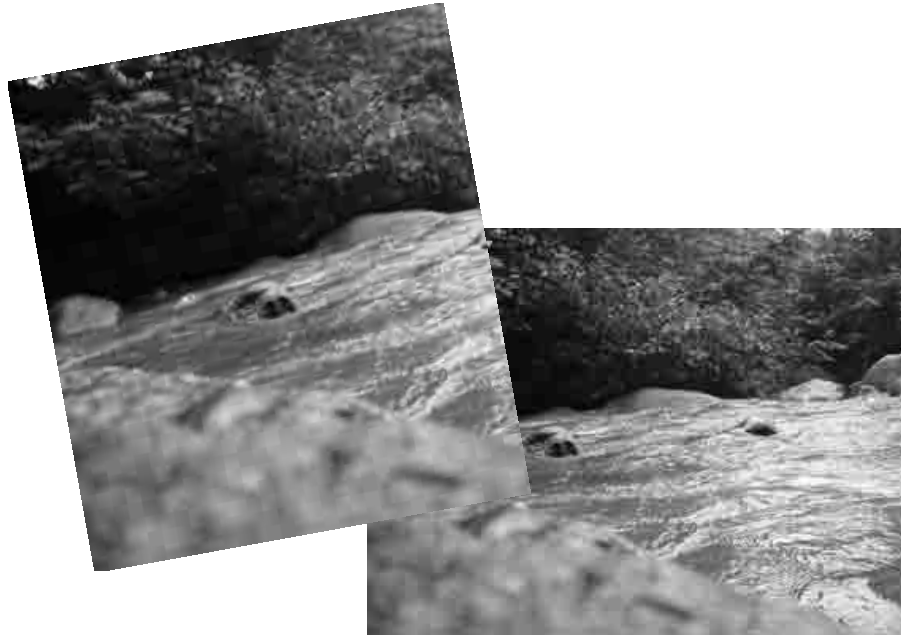




به آینه می نگری به چهار راه پیشانیت!  
سرنوشت تو در آن نیست  
سرنوشت تو در افکار و رفتار و کردار توست...  
و در آن چه  
که بدان می اندیشی!

*You are looking into the mirror  
to the square of your forehead !  
Your destiny is not in it.  
Your fate is in your thoughts and actions ...  
And  
In what you think of !*





آوای رود...

یعنی دوستی با سنگ ها...

یعنی آب ، صخره ، سنگ

می نوازند آوای زندگی را

*The sound of the river ...*

*Means*

*Friendship with stones ...*

*The water, cliffs, rock*

*Play*

*Voice of Life*

مرگ همسایه سر زده ای است که سوغات رفتن آورد.

مرگ دوست کم یابی است که وفایش به عمل بی نظیر است.

مرگ گاهی چون عسل شیرین و گاهی تلخ همچون ...

این با توست که

کدامین مزه را بچشی!

*Death is a neighbor*

*That brings souvenirs of going .*

*Death is a rare friend that*

*its loyalty is unique .*

*Death sometimes is sweet like honey*

*Sometimes bitter, like ...*

*This is with you*

*Which flavor you taste!*

شکوفه های دلت را آن چنان شکوفا کن!  
که در زمستان سختی ها  
با مهرت همانند مرواریدی  
در آسمان تاریک و زمستان غریب بتابند!

*Bloom your heart blossoms so!  
that , in winter difficulties  
With your love like a pearl  
Shine in the dark sky and strange winter!*



برای ماندگاری لازم نیست دنیا را فتح کنی!

کافی است...

خود را فتح کنی تا جاودانه شوی

*For eternity , no need to conquer the world!  
but conquer your inside*





هیچ گاه زندانی سختی ها نشو!  
دشواری بخشی از زندگی است و اگر نباشد  
جوهری برای ماندگاری نخواهد بود  
تسلیم نشو تا بتوانی آن سوی دیوار بلند را ببینی...  
آن سوی دیوار گلستانی از آسودگی است...  
و این استحقاق توست!

*Never succumb to the difficulties !  
Difficult is part of life and if not there is no meaning for life  
Do not give up to see the other side of wall ...  
Over the wall, there will be peace ...  
And you deserve it!*

گاهی جاهای خالی تو را به فکر فرومی برند ...  
که چرا این قصه غم انگیز نصیب تو گشته است؟  
چرا تنهایی حکایتی قدیمی است؟  
نگران نباش! روزی کسی از راه خواهد رسید .  
کافی است باورش کنی...  
و او کسی نیست جز...

پیدایش کن!

*Sometimes, the blanks led you to think about it...*

*Why have you been given this sad story?*

*Why is loneliness an old story?*

*Do not worry! Someday someone will come through.*

*That's enough to believe her/him ...*

*Find her/him!*



از غار وجودت رهایی یاب !

دیگر آسمان طوفانی نیست

آسمان آبی است آفتابی است

از غار وجودت خارج شو

دنیا طور دیگری است

*Come out of your inside the cave!*

*the sky is not windy any more*

*The sky is blue*

*It is sunny*

*Come out of your inside cave*

*World is different*





خار و خاشاک دیدگانت را سیاه می کنند ...

اما بدان مهربان باید بود!

این خار

در غم از دست رفتن فرصتی برای گل بودن ... آن قدر گریست ...

که اشک هایش تیغ های وجودش شدند.

*Brushwood*

*Darken*

*Your eyes*

*But it would be kind!*

*The Thorn*

*Wept so much... due to the sad of losing the chance of  
being flower ...*

*Her tears were the thorns of her existence.*



به بازی معصومانه کودکان بنگر!  
آنان از این بازی ها لذت می برند .  
کوچکترین حرکت موجب شادی و سرورشان می شود  
بین و شاگردی  
آنان را به جای آور  
که واقعیت...  
شاگردی ماست و  
استادی کودکان زیبا دل!

*Watch the innocent play of kids!  
They enjoy the game.  
Slightest movement will bring them  
happiness  
Watch  
Be their apprentice  
that the fact is ...  
Being apprentice...and  
Mastering the kids with beautiful heart!*





ساعت ها می گذرند

بی آنکه با تو تعارفی داشته باشند.

التماس مکن ، اصرار نکن!

این قانون زندگی است

کالسکه زمان بی هیچ توقفی می گذرد و

تو سوار بر این کالسکه زندگی را چنان بساز...

که از گذشتن لذت ببری نه آنکه کابوس زندگانت شود!

*Times pass easily*

*Do not beg, do not insist!*

*This is the rule of life.*

*Carriage-time*

*Pass without any pause*

*Make up your life over the carriage ...*

*to enjoy the passing*

*not to be your life 's nightmare!*



لبخند خدا را ببین!

او بهار است...

بهاری که تکامل بخش امیدواری هاست!

*See the smile of God!*

*Her Spring ...*

*Spring*

*The evolution is hope!*



هنگامی که راهی جدید پیش روی توست ...

می ترسی !

ماجراجویی تجربه ای شیرین است ...

به شرط آن که شکست را فرجام کار تلقی نکنی !

*When a new trial ahead of you ...*

*you scare!*

*Adventures*

*is sweet experience ...*

*if you don't deem the failure as an outcome!*



خدایی در این نزدیکی است.  
بخوانیمش ، بدانیمش!  
که دگر نه خاری بر خاطره هاست.  
و نه خاکی بر فاصله ها !

*A god is close.  
Let's read him, let's know him!  
That no thorn ,no more in memory .  
And no land over the spaces!*

وفادار بمان !

برای آن چه که زندگانی خود را مدت هاست

وقفش کرده ای.

این شایسته نیست که تا این جا آمده ای و اینک به خاطر

رسیدن به کوهستان ناامیدی ها از همه چیز بگذری .

حتی می توانی دل کوه را بکنی و پیش بروی که آن سوی

سنگ ها رودخانه ای با گواراترین آب هاست.

*Stay faithful!*

*to what your life, a long time is devoted to,  
It 's not right to be here and leave everything  
behind due to the mount of despairs.*

*You can even dig the mountains and*

*Go on*

*That beyond the stones*

*A river of fresh water is there.*



در زندگی صدف باش!

همچون صدف هیچ گاه مروارید قلبت را برای دیگران نمایان نکن!

صدف تنها غمخوارش دریای آرام است و در آن هنگام...

دُر وجودش را هویدا می سازد.

پس دفتر قلبت را فقط با مهربانت بخوان...

*Be oyster in life!*

*Never do your heart express to others, like pearl oysters ever!*

*Pearl has only friend , it is calm sea!*

*And then ...*

*Make its pearl apparent visible.*

*Thus , sing your heart with your heart ...*







دریا باش

مثل دریا آبی

مثل دریا آسمانی

مثل دریا مهربان

مثل دریا خروشان

و هرگاه لازم شد...

طوفانی شو و امواج پرتکاپویت را نوازشگر ساحل ساز

و صخره های ناامیدی را سیلی زن!

*Be the Sea*

*Blue, like the sea*

*The sky, like the sea*

*The merciful, like the sea*

*Raging like the sea*

*And when necessary ...*

*Get stormy and*

*Pat the bank*

*With your roaming waves*

*And slap the cliffs of despair!*

خلق کن!

می توانی بهترین ها را خلق کنی!

باور کن ساختن یک روز شاد...

خلاقیت تو را می رساند ...

پس خلاق باش

حتی یک روز!

*Create!*

*You're able to create the best!*

*Believe to make a happy day ...*

*Show your creativity ...*

*Thus, be creative*

*one day even!*



تصور کن!

اگر روزهای زندگانت  
همه وهمه به مانند هم بودند ...  
اگر ثانیه ها ، لحظه لحظه ...  
اگر صحبت ها ، کلام به کلام ...  
بار دیگر تکرار می شدند  
اگر هر نفست ، اگر هر تپش قلبت ...  
به مانند روزهای قبل بود!  
آنگاه روح در بند زنجیرهای سخت زمان بود!  
و دیگر ماندن و زیستن یک تقدس نبود!

*Imagine!*

*If the days of your life*

*All were all like ...*

*The seconds , moment by moment ...*

*If words, word by word ...*

*Were again repeated.*

*If every breath, every beat of your heart ...*

*was like the day before!*

*Then your soul was trapped in rigid chains of time!*

*And...staying... living is no more a sacred!*



از همین نویسنده :

کتاب طلایی آزمایش های شیمی (ترجمه)



برای تهیه و دانلود آن می توانید به آدرس اینترنتی زیر مراجعه کنید:

[www.ahmadi-tanin.loxblog.com](http://www.ahmadi-tanin.loxblog.com)

